

## تأمین رفاه و انتخاب نیاز (بر اساس دو متغیر میزان تحصیلات و شغل)

ثریا مکنون\*

### چکیده

«رفاه اجتماعی» یکی از متغیرهای مورد استناد برای شناسایی نیاز اقشار مختلف در حوزه برنامه‌ریزی‌های کلان دولتهاست و راه‌های دستیابی به آن در مورد هر قشر به مختصات و شرایط جغرافیایی، فرهنگی، و تاریخی منطقه بستگی دارد. هدف این مقاله ارائه گزارش بخشی از پژوهش نیازسنجی اجتماعی - فرهنگی کلان‌شهر تهران (مصوب شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) در خصوص ارتباط میزان تحصیل و شغل با انتخاب سه دسته از نیازها: مادی، عرفی - اخلاقی، و معنوی است.

توسعه مادی و معنوی هر جامعه با توجه به مقدرات و اهداف همان جامعه و با برنامه‌های هماهنگ تحقق می‌یابد و بر آن اساس، جوامع پیش‌رفته برنامه‌های کلان چندده‌ساله و کشورهای در حال توسعه برنامه‌های کوتاه‌مدت‌تری (پنج‌ساله) را طراحی، اجرا، و بهینه می‌کنند. شناسایی، جمع‌آوری، و بررسی آماری نیازها بین طیف‌های مختلف تحصیلی و طبقات شغلی و تجزیه و تحلیل آن مقدمه‌ای بر شناخت خصوصیات اجتماعی و فردی جامعه در حال تغییر است. یافته‌های استنباطی و آماری این‌گونه پژوهش‌ها به بازنمایی خلأها کمک می‌کند و ضرورت طراحی یک الگوی جامع رفاهی را در سطح ملی فراهم می‌آورد. بر اساس تحلیل‌های آماری تحقیق حاضر، رابطه معناداری بین گروه‌های شغلی و تحصیلی وجود دارد و متغیر شغل، در مقایسه با متغیر میزان تحصیلات، تأثیر بیش‌تری در انتخاب نیازهای اجتماعی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** نیاز اجتماعی، الگوی رفاهی، نیاز مادی و معنوی.

\* دکترای تعلیم و تربیت، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی s\_maknoon@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۲

## ۱. مقدمه

تعریف دو مفهوم «نیاز» و «رفاه» دارای پیچیدگی ذاتی است، به طوری که هر دو مفهوم در طیفی از ترکیب با مفاهیم دیگر به کار گرفته می‌شوند و در صورت برقراری توازن بین این دو، فرد و جامعه به شکل متوازن از هنجارهای متناسب برخوردار می‌شوند. با مروری بر رویکردهای کلی در موضوع نیاز و رفاه، رابطه نزدیک این دو مفهوم مشخص می‌شود. در برنامه‌های کلان مربوط به رفاه اجتماعی، ارزیابی نیاز نقش اصلی را ایفا می‌کند. البته نقاط اشتراکی چون شغل، تحصیل، سلامت، و مانند آن نیز در بسیاری از بررسی‌ها موجب هم‌پوشانی این دو مفهوم با یکدیگر شده است.

در تعریف مفهوم رفاه (welfare)، به گونه‌ای که همگان درک مشترکی از آن داشته باشند، اجتماعی وجود ندارد. ولی مفاهیمی چون تولید ناخالص ملی (GNP)، میزان هزینه برای برنامه‌های رفاهی، میزان شادی، و فاصله گرفتن با فقر می‌توانند شاخص‌های خوبی برای اندازه‌گیری باشند. در بخش مصرف اجتماعی، تولید ناخالص ملی در شادی یک کشور تأثیرگذار است و می‌تواند شاخص مناسبی باشد. در نتیجه، تعریف زیر را برای مفهوم رفاه پیشنهاد می‌کنند: «رفاه بالاترین سطح ممکن دسترسی به منابع اقتصادی است و سطح بالای رفاه شامل شادی شهروندان، حداقل درآمد تضمین شده برای پرهیز از زندگی در فقر، و در نهایت قابلیت فراهم آوردن یک زندگی خوب برای افراد است» (Di Tella et al., 2003).

بر اساس این تعریف و تفسیر حداقلی، می‌توان مقوله رفاه را در دو سطح مورد سنجش قرار داد: سطح کلان (macro level)، شامل تولید ناخالص ملی و مجموع هزینه‌های مصرف شده برای برنامه‌های رفاهی و سطح خرد (micro level)، شامل احساس شخصی نسبت به خوش‌بختی افرادی که در فقر زندگی می‌کنند (شاخص رفاه برای پرهیز از فقر). به عبارت دیگر، رفاه را می‌توان از دیدگاه شخصی و یا در سطح کلان اجتماعی تعریف کرد. از طرف دیگر کلمه رفاه، بر حسب این که شخص آن را صرفاً از جهت اقتصادی یا اجتماعی بررسی کند، می‌تواند معنایی کاملاً متفاوت داشته باشد. به طوری که نتیجه آن پیدایش زیرمجموعه‌های دیگری شود که هر یک به گونه‌ای مفهوم رفاه را تعریف می‌کنند.

## ۲. رفاه اجتماعی

در گذشته، در برخی محافل دانشگاهی، به کشورهای سوسیالیستی «حکومت‌های رفاهی»

گفته می‌شد؛ ولی مدت‌هاست که مفهوم رفاه اجتماعی به دموکراسی‌های سرمایه‌داری پرنفوذ نیز اطلاق می‌شود. از این رو، تجدید نظر در مفهوم رفاه برای تطبیق با شرایط تغییر یافته جدید ضروری است. به علاوه بنا بر نظر اسپینگ اندرسن (G. Esping-Andersen)، حتی فقیرترین کشورهای جهان سوم دارای نوعی از رفاه اجتماعی هستند. ولی اگر منظور ما از رفاه اجتماعی «حقوق شهروندی» در زمینه گسترده‌ای از نیازهای انسانی است، آن وقت دیگر این مفهوم فراتر از هجده یا بیست کشور ثروتمند سرمایه‌داری در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)<sup>۱</sup> نخواهد رفت (1994).

در حوزه مطالعات دانشی علوم اجتماعی، ارزیابی و تحلیل «رفاه اجتماعی» با متغیرهایی چون اقتصاد و سیاست در سطح کلان درهم تنیده است. در عین حال، رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن متغیرهایی در سطح خرد مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، درآمد، یا سطح فقر نیز سنجیده می‌شود. بنابراین چنین سطح گسترده‌ای از متغیرها برای سنجش میزان رفاه، فرصتی برای تفسیرهای متعدد از این مفهوم ایجاد می‌کند. در مجموع، می‌توان اذعان داشت که تعریفی ثابت، که به تأیید همگان رسیده باشد، برای این مفهوم علمی وجود ندارد.

مفهوم رفاه اجزای متعددی دارد و رابطه آن با نظریات ناشی از مکاتب و روش‌های متنوع شامل اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و فلسفه کاملاً مشهود است. بنابراین نگرش به مفهوم «رفاه»، فقط از یک منظر، به منزله نادیده گرفتن جنبه‌های اصلی دیگر آن است. از این رو، مفهوم «رفاه» ندرتاً به‌تنهایی به کار می‌رود؛ به‌خصوص وقتی بخواهیم آن را به مفهوم دولت ربط دهیم، زیرا این مفهوم شاخصی برای نقش واضح دولت در رابطه با کمک به افراد جامعه برای داشتن یک زندگی مناسب، برای مثال هزینه کردن، است.

### ۳. رابطه نیاز و رفاه اجتماعی

بین نیاز و رفاه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد، زیرا ایجاد وسیله برای تأمین رفاه و زمینه‌سازی برای احساس خوش‌بختی معمولاً بر اساس نیاز و خواست‌های فرد و جامعه صورت می‌گیرد. یک مشکل اساسی در بیش‌تر تحلیل‌های «رفاه»، مربوط به انتخاب فرد است که شاید در زندگی آینده وی آثار خود را نشان دهد. برای مثال، ممکن است فردی در یک دوره از زندگی خود تصمیم به ترک تحصیل بگیرد که آثار این تصمیم در دوره‌های بعدی زندگی او (فرضاً ۲۰ یا ۳۰ سال بعد)، با انتخاب و گزینه‌های وی به علت همین تصمیم، آشکار شود.

#### ۴. نیازها و راه‌های رفع آن

تحقیق نیازسنجی تطبیقی در کلان‌شهر تهران، بر مبنای ارزیابی نیاز و رابطه آن با راه‌های برآورده شدن آن، به عنوان مبنایی برای اجرای برنامه‌های بلندمدت تأمین «رفاه اجتماعی» برای اقشار با سلاقی، تفکرات، و گرایش‌های مختلف به اجرا درآمد که گزارش بخشی از نتایج آن در این مقاله ارائه می‌شود.

#### ۵. تعاریف رایج نیاز

تعاریف متفاوتی از نیاز به لحاظ رویکرد وجود دارد که می‌توان آن را به دو دسته عمده تقسیم کرد.

#### ۱.۵ رویکرد روان‌شناختی

برخی نظریه‌پردازان، با توجه به خصوصیات فردی و با رویکردی روان‌شناسانه، نیازهای اساسی انسان را بر مبنای خواسته‌های اولیه او تحلیل کرده‌اند. کارل مارکس (Karl Marx) از پیش‌گامان این رویکرد است که انسان را «مخلوق نیاز» یا «مخلوقی نیازمند» می‌داند که می‌تواند، با آموزش و تجربه کار کردن، نیازهای خویش را برطرف کند. به نظر مارکس، توسعه انسانی بستگی به میزان تأمین نیازهای فرد دارد؛ زیرا پیدایش نیازهای تازه در انسان وی را وادار به ساختن و بازسازی طبیعت خویش می‌کند (Marx and Engels, 1988). در دهه ۱۹۶۰، آبراهام مازلو (A. Maslow) مراتبی را برای نیازهای اولیه انسان ارائه داد که بعدها به هرم مازلو معروف شد. این هرم دارای پنج طبقه و شامل نیازهای جسمانی (physiological)، امنیتی (safety)، تعلق و عشق (love)، احترام و اعتبار (esteem)، و خودشکوفایی (self-actualization) بود (1943). مالکوم نولز (M. Knowles)، پدر آموزش بزرگسالان، نیازها را بدون اولویت‌بندی به شش دسته نیازهای جسمانی، رشدی، امنیتی، تجربه جدید، عاطفی، و شناخت تقسیم کرد (1950). آلدرفر (C. Alderfer) نیازها را در سه گروه شامل نیازهای حیاتی، ارتباطی، و رشدی طبقه‌بندی کرد (1969). دیوید مک‌کلند (D. McClelland) نیز، از دیدگاه روان‌شناسانه، نیازهای مؤثر در انتخاب و در زندگی را به سه گروه تقسیم کرد: پیش‌رفت، هم‌بستگی پیوندجویی، و قدرت (1961: 12-13).

## ۲.۵ رویکرد جامعه‌شناختی

این دیدگاه بیش‌تر به جنبه‌های اجتماعی و روابط انسانی موجود در نیاز توجه دارد. با شکل‌گیری ساختارهای بین‌المللی، برخی از سازمان‌ها تعاریف جدیدی از نیازهای اجتماعی ارائه کردند. برای مثال، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در تعریفی عام، نیازهای اولیه را به دو حوزه تقسیم کرد:

الف) نیازهای حداقلی در مصرف و هزینه شخصی برای یک خانواده مانند غذای مناسب، سرپناه، پوشاک، و وسایل اولیه زندگی؛

ب) خدمات اساسی که بیش‌تر از طرف سازمان‌های منطقه‌ای تأمین می‌شود مانند آب آشامیدنی، فاضلاب، حمل و نقل عمومی، بهداشت، و وسایل و ابزارهای فرهنگی - آموزشی (Singh, 1979).

به تدریج، با گسترش فعالیت‌های فرامرزی برنامه‌های توسعه انسانی، سازمان ملل تعریف جامع دیگری را از نیازهای اولیه ارائه داد که کامل‌تر از تعریف سازمان بین‌المللی کار بود و در آن به سه محور اصلی نیاز توجه شده بود: «احتیاجات» اولیه انسان مانند غذا، «فقدان» و خلأ همان نیاز، و «نیاز» به معنی ارائه کمک رفاهی یا سایر خدمات انسانی و امدادسانی از طریق ارسال کمک‌های بشردوستانه مانند کمک به مردم بحران‌زده‌ای که به حمایت غذایی نیاز دارند (Darcy and Hofmann, 2003: 16).

البته این محورها با هم تداخل دارند و امکان جابه‌جایی و جای‌گزینی آن‌ها با یکدیگر وجود دارد و این در حالی است که تفکیک آن‌ها از هم نیز در بسیاری از موارد کاملاً ضروری است.

در تحلیل نیازسنجی بر مبنای این تعریف، دست‌یابی به میزان انحراف از هنجار، اعم از خلأ یا نیاز، به عواملی مانند ابزار هنجاری به کار گرفته شده، سنجش میزان رضایت‌مندی و توان‌مندی مردم، و جبران خلأهای خود بدون کمک خارجی بستگی دارد.

## ۶. شکل‌گیری نیاز در رابطه

تعریف سومی نیز برای واژه نیاز وجود دارد که بر اساس آن انسان ابتدا تقاضای خود را به شکل یک «نیاز ابرازشده» در سطوح مختلف بروز می‌دهد. «رابطه» بین «عرضه» و «تقاضا»؛ یعنی طلب و خواست از یک سو و «برطرف شدن خواست» به وسیله خود شخص، فرد دیگر، یا جامعه از سوی دیگر، رابطه‌ای دوسویه ایجاد می‌کند. به طوری که، هریک از

طرفین هم می‌تواند صاحب نیاز و هم دارای قدرت ارضای نیاز باشد. البته توانایی و قدرت ارضا موجب پیدایش و توسعه ظرفیت‌های جدید انگیزشی، ذهنی، و رفتاری در فرد می‌شود که بازتاب آن در جامعه قابل مشاهده است.

انتخاب نیاز، در شکل مطلوب، فارغ از مقدورات و در شرایط فرضی مطلق صورت نمی‌گیرد، بلکه تحت تأثیر نظام حاکمی است که آن هم در «شرایط» عمل می‌کند. به این معنا که شرایط اجتماعی، توسعه اقتصادی، و عوامل ارتباط جمعی مانع اثبات فرض فوق می‌شود و، به جای معادله ثابت در نسبت نیاز و ارضا، آن را شناور می‌کند. شرایط در یک مجموعه شامل کلیه عوامل فردی، صنفی، خانوادگی، و اجتماعی می‌شود که در شکل‌گیری و انتخاب نیاز تأثیر مستقیم دارد. توضیح بیشتر دربارۀ طبقه‌بندی استفاده‌شده در این تحقیق در ادامه مقاله می‌آید.

## ۱.۶ پیشینه

از اواخر دهه دوم انقلاب اسلامی، این باور در ایران رواج یافت که جامعه باید بر اساس برنامه‌های بلندمدت و راهبردی اداره شود. به این جهت، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر اساس موضوعات اصلی نظام تهیه و تدوین شد. در این بخش با مروری بر برنامه‌های اجراشده، لااقل در بخش‌های رفاهی، می‌توان فقدان هماهنگی و انسجام و پیروی از روند و جهتی واحد را در کل برنامه‌ها مشاهده کرد و این در حالی است که در بعضی دیگر از کشورهای به اصطلاح جهان سوم، در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله هماهنگی و پیروی از یک جهت خاص آشکارتر است.

پیش از نقد برنامه‌های اجرایی توسعه در داخل کشور و به منظور تنظیم چهارچوب نظری، در این جا به چند برنامه توسعه پنج‌ساله در کشورهای جهان سوم، به عنوان راهنما و الگو، اشاره می‌شود.

آقای ما (Ma)، وزیر توسعه و اصلاحات چین، در یازدهمین برنامه توسعه پنج‌ساله آن کشور بر پیروی از روند برنامه‌های قبلی و در عین حال توجه اکید به موضوعات مبتلابه جدید در چین تأکید و خاطر نشان می‌کند که خواسته‌های کوتاه‌مدت نباید به صدمات احتمالی بلندمدت ترجیح داده شود. به گفته وی، کیفیت و کارایی رشد اقتصادی کشور با میزان خروجی و تقویت سرمایه‌گذاری قابل‌سنجش است. هم‌چنین بر اساس برخی از شاخص‌های برنامه توسعه، رشد کمی به طور دقیق محاسبه و از شعارهای کلی پرهیز شده

است. به این جهت، در تعدادی از موارد پیش‌بینی‌شده در یازدهمین برنامه توسعه چین، پیش‌بینی نرخ رشد متوسط (GDP) با هدف افزایش ۷/۵٪ سالانه برای ۵ سال بعدی خواهد بود (Xinhuanet, 2006).

نمونه دیگر، آخرین برنامه پنج‌ساله توسعه اجتماعی - اقتصادی (۲۰۰۶-۲۰۱۰) ویتنام است که برای تکمیل هدف‌های یک‌دهه توسعه (۲۰۰۰-۲۰۱۰) طراحی شده است. به نقل از گزارش صندوق سازمان ملل متحد برای توسعه زنان (یونیفم)، هدف‌های کلی برنامه مذکور عبارت‌اند از: افزایش نرخ رشد اقتصادی، توسعه پایدار و کارآمد، خروج هرچه سریع‌تر کشور از گروه «توسعه‌نیافته»، بهینه‌سازی وضعیت مردم به لحاظ فرهنگی، مادی، و معنوی، سرعت بخشیدن به رشد صنعتی در جهت مدرنیزه شدن تا سال ۲۰۲۰، برقراری پایداری سیاسی، نظم اجتماعی، و سلامت، دفاع قاطع در زمینه استقلال ملی، آزادی و امنیت، تداوم استحکام بخشی و گسترش روابط بین‌الملل، و ارتقای سطح کشور در داخل و خارج. نکته جالب آن‌که در این کشور کمونیستی، بخشی از برنامه پنج‌ساله به توسعه فرهنگ و اطلاعات و مبانی معنوی جامعه اختصاص دارد که هدف از آن توسعه فرهنگ ویتنامی به منظور حفظ هویت ملی و فرهنگ سنتی است (UNIFEM, 2008).

برنامه پنج‌ساله توسعه فیلیپین (۲۰۰۴-۲۰۰۸) یک نمونه دیگر است. این برنامه که در جداولی یازده‌گانه تدوین شده، شامل اهداف و راهبردهای زیرساخت، ابزار، و سایر منابع است. جدول اول این برنامه به آمار خانوار و برنامه‌ریزی اختصاص یافته است. بهینه کردن کیفیت آمار خانوار به لحاظ زمان‌بری، ارتباط و دقت و توجه به موضوعات جدید مانند جنسیت، خشونت علیه زنان و مردان در محیط کار و مشاغل شرافت‌مندانه از جمله مواردی است که در جدول مذکور به آن اشاره و راهبردهای عملی برای دستیابی به هر یک توضیح داده شده است. به‌علاوه، در جداولی دیگر هدف‌های توسعه هزاره و میزان تقریبی دستیابی، با شناسایی عوامل موجود، به طور دقیق تشریح شده است که برخی از محورهای آن عبارت‌اند از: محو فقر شدید و گرسنگی، ترویج برابری جنسیتی و توان‌مندسازی زنان، ارتقای مادی و معنوی زندگی زنان، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و حکومتی، برابری در استخدام و سوادآموزی و اشتغال با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی. در برنامه پنج‌ساله توسعه فیلیپین هم‌چنین به مواردی مانند حوادث و وقایع طبیعی و غیر مترقبه (سیل، تغییر جوی آب و هوا، بیماری‌های اپیدمی)، پیچیدگی سیاست‌های جهانی و ضرورت احساس امنیت پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، و تغییر قیمت‌ها در بازار جهانی نیز اشاره و توجه شده است (UNIFEM, 2008).

گفتنی است در برنامه مذکور، به رغم همه وقایع پیش‌بینی‌شده، به رشد پیش‌رفت اقتصادی و افزایش درآمد متوسط مردم در پنج سال آتی (۱۲٪ رشد) نیز اشاره و تغییر تدریجی ساختار اقتصادی، به سمت صنعتی و مدرنیزه شدن، یادآوری شده است. در بخش جمعیت و خانواده نیز به مواردی مانند برنامه‌ریزی برای کنترل جمعیت، بهبود وضعیت بهداشت جسمانی، ذهنی، و روانی جامعه و اطمینان از برخورداری همه کودکان از بهداشت اولیه و خدمات آموزشی با کیفیت بالا توجه شده است. متن برنامه پنج‌ساله مذکور در هر بخش، مثلاً خانواده و کنترل جمعیت، دارای زیرمجموعه اهداف و راه‌حل‌های اصلی است که دقیقاً با مشکلات و معضلات متبایه آن کشور تطابق دارد.

## ۲.۶ برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در ایران

جدول ذیل شامل خلاصه مواد مندرج در برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۳)، فصل مربوط به زنان و خانواده، همراه با تحلیل و طبقه‌بندی مواد مذکور است (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۴):

مواد برنامه	تحلیل و طبقه‌بندی مواد برنامه
<p>۱. بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به ویژه افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم؛</p> <p>۲. اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت آنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه و خانواده؛</p> <p>۳. ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگومیر مادران و کودکان.</p> <p>علاوه بر این، در قسمت سیاست‌های کلی بخش تربیت بدنی (بند های ۷ تا ۹) نیز «توجه بیش‌تر به ورزش بانوان» قید شده است.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در برنامه در حوزه مسائل زنان: افزایش میزان آگاهی، سواد، و سلامت؛</li> <li>• جهت‌گیری کلی برنامه: اقتصادی با مبنای کنترل و رشد جمعیت؛</li> <li>• دستگاه‌های متولی اجرای برنامه: وزارت آموزش و پرورش؛ وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی؛ وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری.</li> </ul>

گفتنی است افزایش میزان امکانات و فضای آموزشی و تأکید بر رشد کمی فارغ‌التحصیلان در مقاطع عالی، از جمله موضوعات مورد توجه در چهار برنامه پنج‌ساله توسعه کشور بوده است. در حالی که، به موازات پیش‌بینی‌های حاضر، ارزیابی جامعی نسبت به محتوا، روش‌ها، و جهت آموزشی انجام نگرفته است.



## ۷. مبنای شکل‌گیری نیاز و ارضا

دامنه مفهوم نیاز و ارضا وسیع و شامل موضوعات سیاسی - فرهنگی است که تحت تأثیر شرایط بیرونی و محیط طبیعی نیز قرار می‌گیرد. اگر در شرایط عادی امکان ارضای نیاز بیش از میزان نیاز باشد، موجب تشدید تنوع‌طلبی فردی و اجتماعی می‌شود که در این صورت، ذائقه عینی و ذهنی و روحی انسان تحریک و نیازهای جدیدی پیدا می‌شود. از این رو، «الگوی عرضه» نیز طبقه‌بندی متفاوتی برای مصرف عموم پیدا می‌کند؛ به این معنا که دسترسی عموم به یک الگوی مصرف خاص مشکل می‌شود و نتیجه آن احساس محرومیت و تحقیر عده‌ای، در مقابل برتری و خودبزرگ‌بینی عده‌ای دیگر، می‌شود.

از طرف دیگر، اگر میزان نیاز بیش از زمینه ارضای آن باشد و بعضی خواست‌ها به مرحله ارضا نرسد؛ تحریک، تحریص، و متعاقب آن تحقیر فردی و اجتماعی افزایش می‌یابد که باز هم نتیجه آن ناهنجاری در اخلاق فردی و اجتماعی است.

با فرض دسترسی همگان به عرضه و مصرف طراحی شده در الگوهای عمده اقتصادی و سیاسی، عملاً سطح خواسته‌ها و نیازهای عمومی پیچیده‌تر و اختصاصی‌تر می‌شود. در حالی که فاصله سطح ارضا و نیاز کماکان ثابت باقی می‌ماند؛ به این معنا که نیازهای فردی یا گروهی، با افزایش کمی و کیفی قدرت ارضای نیاز، ارتقا می‌یابند. البته این تغییر و افزایش در نوع و موضوع نیاز است و نسبت ارضا و نیاز حدوداً ثابت باقی می‌ماند (Pan: 2006).

## ۸. تحقیق نیازسنجی در تهران

دستیابی به انسجام درونی در برنامه‌های کلان و رابطه منطقی آن با مقدرات اجتماعی در ایران، با توجه به تنوع فرهنگی و اقتصادی، نیازمند مطالعه نیازها و یافتن تفاوت‌های موجود در سبک‌های فکری جامعه است. بنابراین در مسیر انجام تحقیقات در زمینه یافتن «تفاوت انتخاب نیازها»، گروه بررسی مسائل زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طرح نیازسنجی فرهنگی - اجتماعی شهر تهران را با هدف سنجش و مقایسه نیازها و راه‌های ارضای نیازها، به مدت چهار سال (۱۳۸۵-۱۳۸۹) به اجرا درآورد. در این طرح علاوه بر سنجش نوع انتخاب نیاز و اولویت‌های پرسش‌شوندگان نسبت به خواسته‌هایی که منجر به رفاه فردی و اجتماعی آنان می‌شود، ارتباط آن با عوامل اجتماعی پیش‌بینی‌شده در چهار برنامه پنج‌ساله توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

تحقیق حاضر با تأکید بر مطلوبیت‌ها و راه‌های دستیابی به آن در آینده طراحی شد. از این رو، مواردی مانند مطلوبیت‌های فرد، نوع رابطه بین متغیرهای فردی، و تأثیر شرایط بیرونی (مثلاً شغل) در انتخاب راه‌های رفع نیاز مد نظر قرار گرفته است تا زمینه کاربردی کردن برنامه‌های کلان، به نفع همه اقشار جامعه و متناسب با خصوصیات همگان، امکان‌پذیر شود.

### ۱۸ روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی و در دو فاز استفاده شده است: ابتدا مصاحبه برای شناسایی حوزه‌های مختلف نیازها، سپس طراحی پرسش‌نامه بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها. ابزار تحقیق پرسش‌نامه بوده که طراحی آن با توجه به «پشتوانه تئوری و مدل فلسفی» این پژوهش، که رابطه نیاز و ارضا را عامل اصلی در پیدایش رفتارهای فردی، گروهی - صنفی، و اجتماعی می‌داند، صورت گرفته است. روایی پرسش‌نامه نیز، به علت استناد به تئوری و انتخاب اولویت متغیرها در سؤال‌های آن، از سوی متخصصان تأیید شد. قابلیت تکرار روش یا ابزار اندازه‌گیری (پایایی) نیز به واسطه تعدد و استقلال سؤال‌های پیش‌بینی‌شده، علاوه بر ارتباط متغیرها با یکدیگر و رعایت سلسله‌مراتب در طراحی سؤال‌ها که سبب تأیید هر سؤال به وسیله سؤال بعدی می‌شد، احراز شد. بنابراین، پایایی پرسش‌نامه، به علت نوع طراحی آن، مانند پرسش‌نامه‌های اقتباس‌شده با آلفای کرونباخ سنجیده نشد.

### ۲۸ اجزای پرسش‌نامه

در تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش کمی استفاده شد. به این معنا که بر اساس یافته‌های آماری، اطلاعات کلی از وضعیت موضوع مورد مطالعه به دست آمد و با تأکید بر «پیش‌فرض‌های اولیه» نتایج استخراج شد.

شامل‌ترین مقوله‌های به‌دست‌آمده در طرح اولیه، در دو محور «سطوح نیاز» و «موضوع نیازها» طبقه‌بندی شد. هر محور نیز زیرمجموعه‌هایی داشت: «سطوح نیاز» شامل نیازهای فردی، خانوادگی (صنفی)، و اجتماعی و «موضوع نیاز» شامل نیازهای مادی، معنوی، و اخلاقی همراه با نمونه‌های متنوعی از نیازها بود.

با توجه به پیش‌فرض‌های نظری تحقیق، پرسش‌نامه نهایی با چهار بخش اصلی شامل انتخاب نیاز (با سه اولویت)، چگونگی پیدایش نیاز، راه‌های رفع نیاز، و تأثیر سه عامل

(خود، صنف، و دولت) برای رفع نیاز طراحی و ساخته شد. سؤال‌های اصلی پرسش‌نامه نیز عبارت بودند از:

الف) نیازهای فردی، صنفی - خانوادگی، و اجتماعی با چه اولویت و میزانی از اهمیت مشخص شده‌اند؟

ب) آیا شما این نیاز را همیشه در خود حس می‌کردید؟ یا فکر می‌کنید عوامل دیگری از جمله شرایط خانوادگی، پیش‌رفت جامعه، تغییرات تکنولوژی، توسعه اقتصاد جهانی، و غیره در پیدایش این نیاز نقش داشته‌اند؟

ج) برای رفع هر یک از نیازهای ذکر شده، شناسایی کدام یک از راه‌های پیشنهادی (ارتباطات، قدرت مالی، قدرت سیاسی) و به چه میزانی می‌تواند به کمبودهای مورد نظر کمک کند؟

د) از سه عامل کوشش فردی، صنفی و خانواده، و دولت و مراکز اجرایی به ترتیب کدام یک و به چه میزان در رفع این نیاز مؤثرترند؟

### ۳۸ جمعیت تحقیق

جمعیت مورد مطالعه، منطبق و متناسب با ساختار و خصوصیات کل جامعه شهر تهران، با استفاده از آمار تفکیک جمعیتی مرکز آمار ایران انتخاب شد. برای سهولت در توزیع پرسش‌نامه مناطق بیست و دوگانه شهر تهران، بر اساس مختصات جغرافیایی و اشتراک فرهنگی منطقه، به پنج حوزه شامل شمال و شمال غرب، جنوب و جنوب غرب، مرکز، شمال و شمال شرق، و جنوب و جنوب شرق تقسیم شد. سپس، نمونه ۰/۰۰۲ درصد از کل جمعیت رسمی آمار ایران با توجه به متغیرهای سن، تحصیلات، و جنس انتخاب شد.

### ۹. یافته‌ها

#### ۱.۹ تحلیل آماری متغیرهای جمعیت‌شناختی و نیازها

تحلیل‌های آماری پژوهش حاضر در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول، یافته‌های آماری متغیرهای جمعیت‌شناختی؛ بخش دوم، بررسی رابطه متغیر شغل در انتخاب نیاز و راه‌های رفع آن؛ و بخش سوم، رابطه متغیر میزان تحصیلات و انتخاب نیازها و راه‌های رفع آن.

## ۲.۹ تحلیل متغیرهای جمعیت‌شناختی

**سن و شغل:** ۱۹۰۵ نفر به این متغیر پاسخ دادند و تست خی دو، با درجه آزادی ۱۶، حاکی از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر مذکور بود ( $P < 0/0001$ ). برای تحلیل دقیق‌تر، مانده‌های استاندارد شده بررسی شد. برای گروه سنی ۲۰-۲۹ سال بالاترین فراوانی در گروه شغلی «جوینده کار» با مانده‌های تعدیل شده برابر با ۲۱/۴، در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال در گروه شغلی «کارمند شاغل» برابر با ۱۳، در گروه سنی ۴۰-۴۹ سال در گروه شغلی هر دو جنس «کارمند شاغل» برابر با ۶/۸ و «شغل آزاد - متخصص» برابر با ۳/۱، و در گروه سنی ۶۰ سال به بالا در گروه شغلی هر دو جنس «کارمند بازنشسته» برابر با ۱۸/۷ دیده شد. ۷ کرامر متوسط و برابر با ۰/۳۷۴ بود.

**سن و تحصیلات:** ۲۶۲۹ نفر به این متغیر پاسخ دادند و تست خی دو، با درجه آزادی ۲۴، رابطه معناداری را بین این دو متغیر نشان داد ( $P < 0/0001$ ). برای تحلیل دقیق‌تر، مانده‌های استاندارد شده بررسی شد. بالاترین تراکم و تفاوت در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال در گروه تحصیلی «دانش جو و دیپلم» به ترتیب ۱۴/۵ و ۴/۵؛ در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال در گروه تحصیلی «لیسانس و فوق لیسانس» به ترتیب ۶/۸ و ۷/۳؛ در گروه سنی ۴۰-۴۹ سال بالاترین فراوانی به ترتیب در گروه تحصیلی «زیر دیپلم، فوق لیسانس، و دکترا» به ترتیب برابر ۳/۵، ۲/۸، و ۲/۷؛ در گروه سنی ۵۰-۵۹ سال در گروه تحصیلی «زیر دیپلم و فوق لیسانس» به ترتیب ۳/۷ و ۲/۸؛ و در گروه سنی ۶۰ سال به بالا در گروه تحصیلی «زیر دیپلم» ۶/۳ بود. ۷ کرامر ضعیف و برابر با ۰/۱۹۵ بود.

**تحصیلات و شغل:** ۱۹۳۴ نفر از هر دو جنس به این متغیر پاسخ دادند. تست خی دو، با درجه آزادی ۲۴، رابطه معنادار بین این دو متغیر را نشان داد ( $P < 0/0001$ ). برای تحلیل دقیق‌تر، مانده‌های استاندارد شده بررسی شد. برای گروه تحصیلی «زیر دیپلم»، بالاترین فراوانی به ترتیب در گروه‌های شغلی «کارگر» به ترتیب با مانده‌های تعدیل شده برابر با ۱۰/۶، «کارمند بازنشسته» برابر با ۵/۵، و «شغل آزاد - متخصص» برابر با ۲/۸ بود. در گروه تحصیلی «دیپلم»، بالاترین فراوانی به ترتیب در گروه‌های شغلی «جوینده کار» برابر با ۴/۱، «کارگر» برابر با ۳/۳، و «آزاد - متخصص» برابر با ۳ بود. در گروه‌های تحصیلی «فوق دیپلم»، «لیسانس»، و «فوق لیسانس» بالاترین فراوانی در گروه شغلی «کارمند شاغل» به ترتیب برابر با ۳/۵، ۱۰/۶، و ۵/۷ بود. در گروه تحصیلی «دانش جو» نیز بالاترین فراوانی به ترتیب در گروه‌های شغلی «جوینده کار» برابر با ۱۰/۶ و «کارگر» برابر با ۳/۴ بود. در

گروه تحصیلی دکترا نیز بالاترین فراوانی در گروه شغلی «آزاد - متخصص» برابر با ۸/۱ بود. ۷ کرامر ضعیف و برابر با ۰/۲۶۰ بود.

### ۱۰. تحلیل آماری رابطه شغل و میزان تحصیلات و اولویت‌های انتخاب نیاز

**شغل و اولویت نیازهای شخصی:** ۱۹۳۸ پاسخ‌دهنده برای پاسخ به این متغیرها وجود داشت. تست خی دو، با درجه آزادی ۲۴، بین دو متغیر ذکر شده رابطه معناداری را نشان داد ( $P < 0/0001$ ). در گروه شغلی جوینده کار، اولین اولویت نیاز شخصی مربوط به نیاز به رفاه شخصی با مانده تعدیل شده برابر با ۴/۸؛ در گروه شغلی کارگران، نیازهای مادی برابر با ۲/۳؛ و در گروه کارمندان، نیاز به سلامت جسمی برابر با ۳/۴ و نیاز به پیش‌رفت برابر با ۲/۷ بالاترین فراوانی مربوطه را دارا بودند. هم‌چنین هم‌خوانی ضعیفی بین متغیر شغل در هردو جنس و اولویت نیازهای شخصی دیده شد (۷ کرامر = ۰/۰۹۲). این عدد برای اولویت دوم و سوم نیاز شخصی در گروه جوینده کار، به ترتیب ۳/۹ و ۲/۸ و تأییدکننده اولویت اول بود. در گروه کارگران نیز اولویت سوم تأییدکننده اولویت اول بود؛ یعنی نیاز مادی برابر با ۳/۴ و در دومین اولویت نیاز شخصی کارگران شامل نیاز به معنویت و دین برابر با ۲/۱ و در گروه شغلی کارمندان شاغل، دومین اولویت نیازهای شخصی با اولویت اول هماهنگ بود و در اولویت سوم نیز نیاز به پیش‌رفت برابر با ۳ مشاهده شد. ۷ کرامر نیز برابر با ۰/۰۸۲ و ۰/۰۷۸ بود.

**شغل و اولویت نیاز صنفی و خانوادگی:** تعداد ۱۹۳۷ نفر به سؤال مربوط به دو متغیر شغل «هر دو جنس» و اولویت اول نیاز صنفی و خانوادگی پاسخ دادند. تست خی دو، با درجه آزادی ۲۴، بین این دو متغیر رابطه معناداری را نشان داد ( $P < 0/0001$ ). در گروه جویندگان کار، نیاز به رفاه خانوادگی و صنفی با مانده‌های تعدیل شده برابر با ۴/۲؛ در کارمندان شاغل، نیاز به پیش‌رفت و آینده‌نگری برابر با ۲/۷؛ و در کارمندان بازنشسته، سلامت جسمی و روانی برابر با ۲/۲ بیش‌ترین فراوانی را در نیازها دارا بودند. میزان هم‌خوانی و ارتباط بین متغیرهای شغل هردو جنس و نیازهای صنفی و خانوادگی نیز ضعیف بود (۷ کرامر = ۰/۰۷۷). بررسی دومین و سومین اولویت نیازهای صنفی و خانوادگی و تست خی دو نشان‌دهنده تفاوت معنادار در متغیرهای ذکر شده بود ( $P < 0/05$ ). بررسی فراوانی‌ها در گروه جویندگان کار (اولویت‌های دوم و سوم)، انتخاب اولین اولویت در این گروه شغلی را نشان داد. در گروه کارمندان شاغل دومین اولویت نیاز صنفی و خانوادگی شامل اصلاح کاری و مبارزه با تبعیض برابر با ۲/۶ و در گروه کارمندان بازنشسته نیز دومین و سومین اولویت صنفی و خانوادگی اول را تأیید کردند.

۱۲۰ تأمین رفاه و انتخاب نیاز (بر اساس دو متغیر میزان تحصیلات و شغل)

هم‌چنین هم‌خوانی و ارتباط پایینی بین متغیرهای شغل هردو جنس و اولویت‌های دوم و سوم ملاحظه شد و ۷ کرامر برابر ۰/۰۸۴ و ۰/۰۷۳ به دست آمد.

**شغل و اولویت‌های نیاز اجتماعی:** تعداد ۱۹۳۶ نفر به پرسش مربوط به دو متغیر فوق پاسخ دادند. تست خی دو، با درجه آزادی ۱۶، بین این دو متغیر رابطه معناداری را نشان داد ( $P < 0/0001$ ). به گونه‌ای که در جویندگان کار، نیاز به باورهای دینی و اجتماعی با مانده تعدیل شده برابر با ۲/۵؛ در کارمندان بازنشسته، صیانت اجتماعی برابر با ۲/۱؛ و در گروه شغلی آزاد - متخصص، نیاز مادی در سطح جامعه برابر با ۲/۵ بالاترین فراوانی معنادار در نیازهای اجتماعی را داشتند. هم‌خوانی و ارتباط بین متغیرهای شغل هردو جنس و اولین اولویت نیاز اجتماعی پایین گزارش شد (۷ کرامر = ۰/۰۵۹). با در نظر گرفتن تست خی دو در اولویت‌های دوم و سوم نیازهای اجتماعی برای مشاغل مختلف هردو جنس تفاوتی دیده نشد ( $P > 0/05$ ).

جدول ۱. پراکندگی انتخاب نوع نیاز بر اساس شغل

نیازهای شخصی			نیازهای صنفی - خانوادگی			نیازهای اجتماعی			سطح نیاز
مادی	عرفی - اخلاقی	معنوی	مادی	عرفی - اخلاقی	معنوی	مادی	عرفی - اخلاقی	معنوی	موضوعات نیاز گروه‌های شغلی
سلامت جسمانی		پیشرفت		پیشرفت و آینده‌نگری، اصلاح کاری و مبارزه با تبعیض					کارمند
مادی		معنویت و دین							کارگر
							صیانت اجتماعی		بازنشسته
رفاه				رفاه				باورهای دینی	جوینده کار

## ۱.۱. تحلیل آماری رابطه تحصیلات و اولویت‌های انتخاب نیاز

**تحصیلات و اولویت نیازهای شخصی:** با بررسی تست خی دو و پاسخ‌های ۲۷۱۲ پاسخ‌دهنده، بین متغیرهای تحصیلات و اولین اولویت نیازهای شخصی تفاوت معناداری مشاهده شد ( $P < 0/0001$ ). اولین اولویت نیاز شخصی افراد با تحصیلات زیر دیپلم دارای نیاز معنوی و دینی با مانده تعدیل شده برابر با  $۳/۴$  و نیاز مادی برابر با  $۲/۵$ ؛ اولین اولویت نیاز شخصی دانش‌جویان، نیاز به رفاه شخصی برابر با  $۴/۶$ ؛ افراد با تحصیلات لیسانس و بالاتر دارای اولین اولویت نیاز شخصی شامل نیاز به پیش‌رفت و آینده‌نگری برابر با  $۴/۵$  و نیازهای روانی برابر با  $۳/۵$  بود. هم‌چنین میزان هم‌خوانی متغیرهای ذکر شده پایین بود ( $V$  کرامر =  $۰/۰۹۴$ ). در بررسی تست خی دو در دومین و سومین اولویت نیازهای شخصی با توجه به گروه‌های تحصیلی بین دومین و سومین نیازهای شخصی و گروه‌های تحصیلی رابطه معناداری مشاهده شد ( $P = 0/032$  و  $P = 0/045$ ). هم‌چنین هم‌خوانی و ارتباط ضعیفی بین دومین و سومین اولویت نیازهای شخصی و گروه‌های تحصیلی دیده شد ( $V$  کرامر =  $۰/۰۵۸$  و  $۰/۰۵۷$ ).

**تحصیلات و اولویت نیازهای صنفی و خانوادگی:** پاسخ‌های ۲۷۱۳ نفر به این دو متغیر هم بررسی تست خی دو نشان‌دهنده تفاوت بین گروه‌های تحصیلی مختلف دارای اولین اولویت نیاز صنفی و خانوادگی بود ( $P < 0/0001$ ). به گونه‌ای که اولین اولویت نیاز صنفی و خانوادگی در گروه تحصیلی دیپلم نیاز به سلامت جسمی و روانی با مانده تعدیل شده برابر با  $۲/۵$  و نیاز مادی، مسکن، و پول برابر با  $۲/۱$ ؛ در گروه تحصیلی فوق دیپلم، نیاز به بهزیستی برابر با  $۳/۲$ ؛ در گروه تحصیلی دانش‌جویان، نیاز به موفقیت تحصیلی برابر با  $۴/۷$ ؛ در گروه تحصیلی لیسانس، نیاز به پیش‌رفت و آینده‌نگری دارای بالاترین فراوانی معناداری بودند. هم‌خوانی و ارتباط ضعیفی بین تحصیلات و اولین اولویت نیاز صنفی و خانوادگی مشاهده شد ( $V$  کرامر =  $۰/۰۸۴$ ). تست خی دو نشان‌دهنده رابطه معنادار در بررسی متغیرهای تحصیلات در دومین و سومین اولویت نیازهای خانوادگی و صنفی بود. در گروه تحصیلی دیپلم، اولویت دوم شامل نیاز به سلامت جسمانی و روانی با مانده تعدیل شده برابر با  $۲/۶$  تأییدکننده اولویت اول بود و در سومین اولویت (تحصیلات دیپلم)، نیاز به پول و سرمایه برابر با  $۲/۶$  را انتخاب کردند. انتخاب اولویت دوم گروه دانش‌جویان و لیسانس تأکیدکننده اولویت اول بود. هم‌چنین اولویت سوم آن‌ها، نیازهای اخلاقی برابر با  $۲/۴$ ، دارای بالاترین فراوانی معنادار بود. هم‌خوانی و ارتباط ضعیفی بین متغیر تحصیلات و اولویت‌های دوم و سوم نیاز صنفی و خانوادگی دیده شد ( $V$  کرامر =  $۰/۰۷۱$  و  $۰/۰۶۳$ ).

۱۲۲ تأمین رفاه و انتخاب نیاز (بر اساس دو متغیر میزان تحصیلات و شغل)

تحصیلات در هردو جنس و اولویت نیازهای اجتماعی: ۲۷۱۲ پاسخ‌دهنده و تست خی دو، با درجه آزادی ۲۰، نشان‌دهنده تفاوت معناداری بین این دو متغیر نبود ( $P > 0/05$ ).

جدول ۲. پراکندگی انتخاب نوع نیاز بر اساس میزان تحصیلات

سطوح نیاز		نیازهای اجتماعی			نیازهای صنفی - خانوادگی			نیازهای شخصی	
موضوعات نیاز		معمولی	عرفی - اخلاقی	مادی	معمولی	عرفی - اخلاقی	مادی	معمولی	مادی
میزان تحصیلات									
فوق لیسانس									نیازهای روانی
لیسانس						پیش‌رفت و آینده‌نگری، نیازهای اخلاقی			سلامت جسمانی پیش‌رفت و آینده‌نگری روانی
دیپلم و فوق دیپلم، دانش‌جو						مراقبت تحصیلی بهرزبستی	سلامت جسمی، نیاز مادی، مسکن و پول		رفاه شخصی
زیر دیپلم								معمولی و دینی	روانی مادی

## ۱۲. تحلیل آماری متغیر شغل و تحصیلات و راه‌های رفع نیاز

شغل و اولویت‌های رفع نیاز شخصی: با ۱۸۹۸ پاسخ‌دهنده و نتیجه تست خی دو، با درجه آزادی ۲۰، رابطه معناداری مشاهده نشد ( $P = 0/003$ ). هم‌چنین بین دو متغیر شغل و دومین اولویت رفع نیاز شخصی، با درجه آزادی ۲۰ و ( $P = 0/004$ )، و متغیرهای شغل هردو جنس و سومین اولویت رفع نیاز شخصی رابطه معناداری وجود داشت ( $P = 0/013$ ). در گروه شغلی «کارگر»، بالاترین فراوانی در «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی» با



ماندهٔ تعدیل شده برابر با ۲ مشاهده شد. در اولویت سوم نیز، که تأییدکنندهٔ اولویت اول بود، هم‌چنان «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی» برابر با ۲ مشاهده شد. در اولویت دوم، فراوانی معناداری در این گروه شغلی وجود نداشت. در گروه کارمند شاغل بالاترین فراوانی در اولویت اول رفع نیاز شخصی، «برقراری ارتباط با خدا» با ماندهٔ تعدیل شده برابر با ۲/۵ و در سومین اولویت رفع نیاز شخصی گروه شغلی کارمند شاغل، مجدداً بالاترین فراوانی «برقراری ارتباط با خدا» برابر با ۲/۴ به دست آمد. اما در دومین اولویت رفع نیاز شخصی گروه شغلی کارمند شاغل در هر دو جنس، بالاترین فراوانی «قدرت و امکانات فرهنگی» برابر با ۲/۱ دیده شد. ۷ کرامر ضعیف و برابر با ۰/۰۷۴ بود. هم‌چنین بین دو متغیر شغل در هر دو جنس و دومین و سومین اولویت رفع نیاز شخصی، هم‌خوانی و ارتباط ضعیفی به ترتیب برابر با ۰/۰۷۰ و ۰/۰۷۳ دیده شد.

**شغل و اولویت‌های رفع نیاز صنفی و خانوادگی:** برای سنجش این دو متغیر، ۱۹۰۳ پاسخ‌دهنده وجود داشت که تست خی دو، با درجهٔ آزادی ۲۰، رابطهٔ معناداری را نشان داد ( $P=0/048$ ). اما در اولویت دوم، با درجهٔ آزادی ۲۰ و ( $P>0/05$ ) رابطهٔ معناداری دیده نشد. در اولویت سوم، تست خی دو با درجهٔ آزادی ۲۰ همانند اولویت اول رابطهٔ معناداری مشاهده شد ( $P=0/041$ ). در گروه شغلی آزاد - متخصص، بالاترین فراوانی راه رفع نیاز خانوادگی - صنفی «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی» با ماندهٔ تعدیل شده برابر با ۲/۶ به دست آمد. ۷ کرامر هم ضعیف و برابر با ۰/۰۶۵ بود. در اولویت اول رفع نیاز خانوادگی - صنفی و در اولویت دوم و سوم ارتباط ضعیفی، به ترتیب برابر با ۰/۰۶۵ و ۰/۰۵۸، وجود داشت.

**شغل هر دو جنس و اولویت‌های رفع نیاز اجتماعی:** با توجه به پاسخ‌های ۱۸۷۴ پاسخ‌دهنده و نتیجهٔ تست خی دو، با درجهٔ آزادی ۲۰، رابطهٔ معناداری بین این دو متغیر مشاهده نشد ( $P>0/5$ ). اما در اولویت سوم، با توجه به ( $P=0/039$ )، رابطهٔ معناداری مشاهده شد. ۷ کرامر برای اولویت‌های رفع نیاز اجتماعی اولین، دومین، و سومین اولویت رفع نیاز اجتماعی به ترتیب ۰/۰۶۶، ۰/۰۶۳، و ۰/۰۶۱ به دست آمد.

**تحصیلات و اولویت‌های رفع نیاز شخصی:** با توجه به پاسخ‌های ۲۵۵۶ پاسخ‌دهنده و نتیجهٔ تست خی دو، با درجهٔ آزادی ۳۰، بین این دو متغیر رابطهٔ معناداری مشاهده شد ( $P=0/036$ ). هم‌چنین ملاحظه شد که بین تحصیلات و اولویت دوم و سوم، با نتایج به ترتیب ( $P<0/0001$ ) و ( $P=0/022$ )، رابطهٔ معناداری وجود دارد. در گروه تحصیلی دیپلم، اولین اولویت رفع نیاز شخصی «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی» با ماندهٔ

تعدیل شده برابر با ۲/۴ دارای بالاترین فراوانی بود و در اولویت دوم فراوانی معناداری دیده نشد. اما در اولویت سوم رفع نیاز شخصی «ارتباطات فرد و جامعه» برابر با ۲/۱ دارای بالاترین فراوانی بود. در گروه تحصیلی فوق دیپلم، اولین اولویت رفع نیاز شخصی «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی»، با مانده تعدیل شده برابر با ۲/۳، دارای بالاترین فراوانی بود و در اولویت دوم نیز بالاترین فراوانی رفع نیاز شخصی «قدرت و امکانات اقتصادی» برابر با ۲/۵ و در نتیجه تأییدکننده اولویت اول بود. اما در اولویت سوم، فراوانی معناداری مشاهده نشد. در گروه تحصیلی لیسانس، اولین اولویت رفع نیاز شخصی «قدرت و امکانات فرهنگی»، با مانده تعدیل شده برابر با ۴/۱، دارای بالاترین فراوانی بود و در اولویت دوم نیز بالاترین فراوانی رفع نیاز شخصی «قدرت و امکانات فرهنگی» برابر با ۲/۲ و تأییدکننده اولویت اول بود. اما در اولویت سوم، فراوانی معناداری مشاهده نشد. ۷ کرامر نیز در اولویت‌های اول، دوم، و سوم ضعیف و به ترتیب برابر با ۰/۰۵۸، ۰/۰۶، و ۰/۰۷۱ بود.

**تحصیلات و اولویت‌های رفع نیاز صنفی و خانوادگی:** پاسخ‌های ۲۶۶۸ پاسخ‌دهنده و نتایج تست خی دو، با درجه آزادی ۳۰، حاکی از رابطه‌ای معنادار بین این دو متغیر بود ( $P < 0/0001$ ). هم‌چنین بین تحصیلات و دومین و سومین اولویت رفع نیاز صنفی و خانوادگی با توجه به ( $P = 0/001$ ) و ( $P < 0/0001$ ) رابطه معناداری مشاهده شد. برای افراد با تحصیلات «زیر دیپلم»، بالاترین فراوانی در اولین اولویت رفع نیاز صنفی و خانوادگی، به ترتیب «قدرت و امکانات اقتصادی، مالی، و رفاهی» با مانده‌های تعدیل شده برابر با ۲/۲ و «تلاش خود» برابر با ۲ انتخاب شده بود و در اولویت دوم، فراوانی معناداری مشاهده نشد. اما در اولویت سوم، بالاترین فراوانی «برقراری ارتباط با خدا» برابر با ۲/۲ ذکر شده بود. در گروه تحصیلی دانش‌جو، بالاترین فراوانی در اولین اولویت رفع نیاز صنفی و خانوادگی «تلاش خود»، با مانده تعدیل شده برابر با ۲/۷، بود که در دومین و سومین اولویت رفع این نیاز در گروه تحصیلی «دانش‌جو» مجدداً «تلاش خود» به ترتیب برابر با ۳/۶ و ۲/۹ بیان شده بود. در افراد با تحصیلات لیسانس، بالاترین فراوانی در اولین انتخاب رفع نیاز صنفی و خانوادگی به ترتیب «قدرت و امکانات فرهنگی»، با مانده‌های تعدیل شده برابر با ۲/۶، و «برقراری ارتباط با خدا» برابر با ۲/۴ تعیین شد. بالاترین فراوانی در دومین اولویت رفع نیاز صنفی و خانوادگی، مجدداً «قدرت و امکانات فرهنگی» برابر با ۳/۲ و «برقراری ارتباط با خدا» برابر با ۲ و در سومین اولویت، «قدرت و امکانات فرهنگی» برابر با ۲/۳ و تأییدکننده اولویت اول بود. در گروه تحصیلی فوق لیسانس بالاترین فراوانی در اولین اولویت، رفع نیاز صنفی و خانوادگی، در «قدرت و امکانات فرهنگی» با مانده تعدیل شده برابر با ۲/۳ و

در دومین اولویت، رفع نیاز صنفی و خانوادگی، بالاترین فراوانی تأییدکننده اولویت اول بود و «قدرت و امکانات فرهنگی» برابر با ۲ انتخاب شد. اما در اولویت سوم، فراوانی معناداری مشاهده نشد. ۷ کرامر نیز در اولویت‌های اول، دوم، و سوم به ترتیب برابر با ۰/۰۷۶، ۰/۰۷۱ و ۰/۰۶۷ بود.

**تحصیلات و اولویت‌های رفع نیاز اجتماعی:** با توجه به پاسخ‌های ۲۶۳۲ پاسخ‌دهنده و نتیجه تست خی دو، با درجه آزادی ۳۰، رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده شد ( $P=0/038$ ). در دومین و سومین اولویت رفع نیاز اجتماعی ( $P<0/0001$ ) رابطه معناداری دیده شد. در گروه تحصیلی دکترا، بالاترین فراوانی در اولین اولویت رفع نیاز اجتماعی، «قدرت و امکانات فرهنگی»، با مانده تعدیل شده برابر با ۳/۲ و در دومین و سومین اولویت بالاترین فراوانی تأییدکننده اولویت اول بود. «قدرت و امکانات فرهنگی» به ترتیب برابر با ۲/۶ و ۳/۵ تعیین شد و در دیگر گروه‌های تحصیلی و اولویت‌های رفع نیاز اجتماعی رابطه معناداری ملاحظه نشد. ۷ کرامر نیز برای اولین اولویت ضعیف (برابر با ۰/۰۵۲) و برای دومین و سومین اولویت، به ترتیب برابر با ۰/۰۷۲ و ۰/۰۷۵ بود.

### ۱۳. بحث

هرچند موفقیت در اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت منوط به ملاحظه کنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و توجه به تغییرات به شکل قاعده‌مند و قرار دادن آن در برنامه‌های اجتماعی - تربیتی در اجرای توسعه همه‌جانبه است؛ ولی متابعت کامل در برخی موضوعات از دیدگاه خارجی و نادیده گرفتن اهداف استراتژیک ملی در درازمدت زیان‌های جبران‌ناپذیری برای تشکیلات داخلی به همراه دارد. به این جهت، تحقیق و سنجش وضعیت موجود به منظور برنامه‌ریزی منابع انسانی امری ضروری خواهد بود.

تحقیق مورد نظر در این مقاله شامل مقدمه‌ای بر ضرورت شناخت خصوصیات و شرایط در حال تغییر جامعه است که نتایج آماری آن به بازنمایی خلأها و ضرورت داشتن یک الگوی جامع در سطح ملی برای برنامه‌ریزان کمک می‌کند. هم‌چنین بر پایه شناخت نیازها و با تطبیق خصوصیات اخلاقی و معنوی افراد و گروه‌ها، امکان دستیابی به نیازهای رفاهی - اقتصادی و فرهنگی، علاوه بر میزان و سهم تأثیر خواسته‌های انگیزشی، ذهنی، و رفتارهای فرد و جامعه، فراهم می‌شود. به علاوه، برنامه‌های زیرساختی کشور را هم می‌توان به تدریج بهینه کرد. با استناد به نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد شاخص میزان

تحصیلات، نسبت به شاخص اشتغال، تأثیر کم‌تری در آگاهی از کمبودها و توسعه دیدگاه اجتماعی فارغ‌التحصیلان دارد.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود شرایط موجود داخلی با موضوعات مشابه آن در خارج از ایران مقایسه شود و ضرورت بررسی رابطه نیاز و ارضا در سه حوزه برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، و مدیریت اجرایی در آموزش مورد توجه و دقت قرار گیرد.

## ۱۴. نتیجه‌گیری

برخورد دوگانه و نادیده گرفتن ویژگی‌ها و خواسته‌های گروهی و اجتماعی مردم موجب پیدایش مشکلات جدید و گسترش آن در جامعه شده است. احتمالاتی که در حوزه نیاز برای این‌گونه دوگانگی متصور است عبارت‌اند از:

الف) حاصل نیاز ایجادشده در برابر عدم ارضا یا ارضای ناکافی و ناتمام است که در بلندمدت احساس تحقیر، عدم توان‌مندی، خمودی، و کاهش انگیزه برای مشارکت اجتماعی را به جامعه تحمیل می‌کند.

ب) حاصل پیدایش نیاز و ارضای متناسب و هدایت و جهت‌دهی خواسته‌ها و نیازهای جدید، در جهت اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده، به شکل قاعده‌مند و در چهارچوب برنامه خواهد بود.

ج) نیازهای وهله‌ای و آنی برخاسته از شرایط تبلیغی و تحمیلی اجتماعی و کم‌توجهی جامعه به جهت‌گیری مشخص در برنامه توسعه موجب ارضای ناهماهنگ به همان نسبت بدون رعایت اولویت رفع نیاز اجتماعی می‌شود و در نتیجه باعث برهم خوردن توازن طبقاتی و پیدایش نارضایتی و ناخشنودی در جامعه می‌شود.

بنابراین توسعه رفاه جامعه، اعم از مادی و معنوی، فقط در گرو طراحی برنامه‌های تربیتی و آموزشی هماهنگ با مقدرات و اهداف نظام است. توجه به تغییرات و حوادث و لحاظ کردن آن به شکل قاعده‌مند با تحلیل وقایع به صورت مفید و توسعه‌ای یکی از راه‌های جهت‌دهی به توسعه همه‌جانبه است.

نتایج اجمالی تحقیق نیازسنجی فرهنگی - اجتماعی کلان‌شهر تهران بر اساس دو متغیر میزان تحصیلات و شغل عبارت‌اند از:

- نیازهای فردی در گروه‌های تحصیلی موضوعات عرفی - اخلاقی و در گروه‌های شغلی در اولویت اول نیاز مادی و در اولویت دوم موضوعات معنوی انتخاب شد.

- نیازهای صنفی - خانوادگی در گروه‌های تحصیلی و شغلی یکسان بوده و بیش‌تر موضوعات عرفی - اخلاقی انتخاب شده است.
  - انتخاب نیازهای اجتماعی در گروه‌های تحصیلی معنادار نبوده است و در گروه‌های شغلی در طیفی گسترده شامل نیازهای مادی، اخلاقی، و معنوی بوده است که به‌ترتیب از سوی شاغلان متخصص، کارمند، و جویندگان کار انتخاب شده است.
- فقدان تعادل بین نیاز و ارضا وضعیت فرد یا جامعه را از شکل طبیعی خارج می‌کند و به سمت ناهنجاری سوق می‌دهد. بنابراین، با مدیریت این دو جریان (ارضای و نیاز) دست‌یابی به شرایط متناسب امکان‌پذیر می‌شود. افراد همواره در مورد نیازهای اجتماعی یا سازمانی خود اظهار نظر می‌کنند. این نیازها ممکن است شامل تقاضا برای نوع خاصی از نیاز اقتصادی و یا طرح نیازهای شخصی (مهارت‌ها و تخصص) آنان باشد.
- علاوه بر این، حفظ تناسب و توازن بین «نیاز» و «ارضای نیاز» در فرد برای ایجاد هماهنگی در جامعه نیز لازم است و باید نسبت و رابطه این دو به شکلی متناسب تعریف شود. از طرف دیگر، چنانچه نیاز (تقاضا) بیش از توان ارضا (عرضه) باشد، موجب پیدایش بحران‌های اقتصادی و به تبع آن بحران‌های سیاسی و فرهنگی می‌شود. عکس این موضوع نیز صادق است؛ یعنی در جوامعی که بستر ارضای نیاز (عرضه) بیش از میزان نیاز (تقاضا) باشد، به‌ویژه در کشورهای سرمایه‌داری، زمینه ایجاد نیازهای جدید برای تولید و به‌کارگیری ابزار عرضه بالاجبار فراهم می‌شود. بنابراین در این جوامع جهت‌<sup>۲</sup> سیاست، فرهنگ، و اقتصاد حول محور تولید نیاز شکل می‌گیرد.
- یکی از دلایل پیدایش ناهماهنگی و شکاف عمیق اقتصادی در جامعه بین دو قشر غنی و فقیر، ناتوانی یا فقدان توجه به موضوع «نیاز» است. از این رو ضرورت شناخت درخواست‌های عمومی، نحوه ایجاد علاقه، و چگونگی و علت ترجیح بعضی خواسته‌ها به بعضی دیگر بخشی از موضوعاتی است که در پیدایش و حفظ رفاه عادلانه و متوازن در جامعه تأثیرگذار است. مطالعه و بررسی و سنجش خواسته‌های مردم، با توجه به خصوصیات فردی یا اجتماعی آنان، می‌تواند به رفع این معضل کمک کند.

## پی‌نوشت‌ها

### 1. Organization for Economic Cooperation and Development.

۲. منظور از جهت، روش و راه‌برد و برنامه یک نظام یا طرز فکر حاکم است.

## منابع

مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۴). گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران: روز نو.

- Alderfer, Clayton P. (1969). 'An Empirical Test of a New Theory of Human Needs', *Organizational Behavior and Human Performance*, Vol. 4, No. 2.
- Darcy, James and Charles-Antoine Hofmann (2003). 'According to Need?: Needs Assessment and Decision-Making in the Humanitarian Sector', *Humanitarian Policy Group Report*, No. 15.
- Di Tella, R., R. J. MacCulloch, and A. J. Oswald (2003). 'The Macroeconomics of Happiness', *The Review of Economics & Statistics*, Vol. 85, No. 4.
- Esping-Andersen, G. (1994). 'Welfare State and the Economy', in *The Handbook of Economic Sociology*, N. J. Smelser and R. Swedberg (eds.), New York: Princeton University Press.
- Knowles, Malcolm S. (1950). *Informal Adult Education*, Chicago: Association Press.
- Marx, Karl, and Friedrich Engels (1988). *The Economic and Philosophic Manuscripts of 1844 and the Communist Manifesto*, New York: Prometheus Books.
- Maslow, A. H. (1943). 'A Theory of Human Motivation', *Psychological Review*, Vol. 50, No. 4.
- McClelland, David C. (1961). *The Achieving Society*, New Jersey: D. Van Nostrand Company.
- Pan, Letian (2006). 'Key Points of the 11<sup>th</sup> Five-Year Plan', [http://www.gov.cn/english/2006-03/07/content\\_246929.htm](http://www.gov.cn/english/2006-03/07/content_246929.htm).
- Singh, A. (1979). 'The Basic Needs Approach to Development vs. the New International Economic Order: The Significance of Third World Industrialization', *World Development*, Vol. 7, No. 6.
- UNIFEM (2008). *Progress of the World's Women 2008/2009: Who Answers to Women? Gender and Accountability*, Anne Marie Goetz (ed.).
- Xinhuanet (2006). 'China's Parliament Endorses Major Economic Policy Changes', [http://news.xinhuanet.com/english/2006-03/14/content\\_4300878.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2006-03/14/content_4300878.htm).